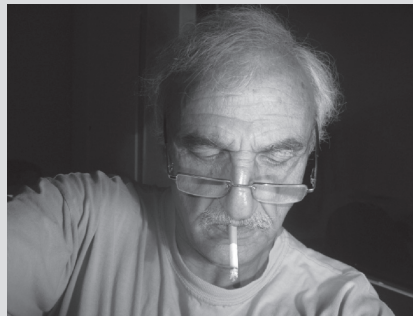


## تدفین و ترحیم در میان ترکمن‌ها

کاظم طلیعی\*



زادن، زناشویی و مرگ از مهم‌ترین وجوه زنده‌گی بشر است و از همین رو، اقوام و ملل مختلف، هر یک به فراخور شرایط زیستی، فرهنگ قومی و اعتقادات دینی خود، شعایر و مناسکی برخاسته از شرایط یاد شده برای آن برپا می‌دارند، به طوری که شعایر و مناسک این مناسبت‌ها اگرچه طی قرون و اعصار بسته به امکانات نوپدید و آمیزش فرهنگی با اقوام دیگر، مختصر تغییراتی کرده، اما در مجموع به صورت آیین مانده‌گاری درآمده است که رعایت آن به نوعی هم‌نوایی با هنجارهای جامعه و به عبارت دیگر، جامعه‌پذیری محسوب می‌شود.

شیوه‌ها و صورت‌های گوناگون برپایی آیین‌ها و مراسم هر یک از وجوه یاد شده در میان اقوام و ملل مختلف، دقیقاً برخاسته از متن فرهنگ هر قوم و ملت است و از آن جایی که دین به عنوان بخشی از فرهنگ، به دلیل کارکردهای متفاوت و گسترده‌ی خود، وجه غالب فرهنگ اقوام را شکل می‌دهد، اغلب این آیین‌ها رنگ و بوی دینی به خود گرفته و اجرای آن به نوعی اجرای مراسم دینی و مذهبی به شمار آمده است. تفاوت در میان این شیوه‌ها دقیقاً برخاسته از تفاوت میان برداشت‌های دینی و مذهبی است.

\*روزنامه نگار،  
پژوهشگر و منتقد  
حوزه علوم انسانی

ایران اگرچه کشوری مسلمان و شیعه مذهب است، اما جمعیت کثیری از آن را مسلمانان اهل سنت تشکیل می‌دهند که عمدتاً در مرزهای غربی، جنوب شرقی و شمال شرقی کشور سکونت دارند. مسلمانان اهل سنت ساکن ایران هم‌چون دیگر ساکنان مسلمان آن به مناسبت‌های زادن، زناشویی و مرگ آیین‌ها و مراسم خاصی برگزار می‌کنند که گرچه با شیوه‌های برپایی همین مراسم نزد دیگر ساکنان ایران، وجوه مشترک بسیار دارد، اما تفاوت‌های بارزی هم در آن دیده می‌شود.

همین تفاوت‌های بارز، این قلم را برآن داشت تا طی تحقیقی به پرس‌وجو درباره‌ی آن بپردازد. باشد که آشنایی با آداب و رسوم یک قوم از اقوام متنوع ایرانی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین اقوام ایرانی را تقویت کند تا در عین کثرت، وحدت مورد نظر ایرانی محقق گردد. در این تحقیق شعایر و مناسک ترکمن‌ها که بخش قابل توجه‌ای از جمعیت استان گلستان را تشکیل می‌دهند، مورد کنکاش، کاوش و بازخوانی قرار می‌گیرد. سخن گفتن از آیین‌ها و مراسم زادن و زناشویی در میان قوم ترکمن را به فرصت دیگری می‌سپارم و به شیوه‌ی برگزاری آیین مرگ می‌پردازم. این تحقیق حاصل مشاهدات شخصی، از شرکت در مراسم تدفین و ترحیم ترکمن‌ها و یاری جستن و پرس‌وجو از چند ترکمن است.

\*\*\*

برگزاری مراسم مرگ به عنوان بارزترین و ملموس‌ترین پدیده‌ی زنده‌گی بشر، در میان اقوام و ملل مختلف شیوه‌های ویژه‌ی خود را دارد. چنان‌که مسلمانان مرده‌های خود را در کفن می‌پیچند و زیر خاک دفن می‌کنند، مسیحیان مرده‌های‌شان را لباس می‌پوشانند و با تابوت دفن می‌کنند، هندوها مرده‌های خود را بر تلی از هیزم می‌سوزانند و خاکسترآش را به رودخانه می‌ریزند، ایرانیان باستان، مرده‌های خود را در دخمه‌های دور از شهر یا بر قلل کوه‌ها و درون غارها قرار می‌دادند تا آرام آرام تجزیه شده و مجدداً به طبیعت برگردند، مصریان باستان هم برخی از مرده‌های متشخص خود را مومیایی می‌کردند.

برخی از اقوام در کنار مرده‌گان خود در قبر، آب و غذا و حتی ابزار جنگ و زینت‌آلات قرار می‌دادند، حتی شیوه‌های قرار دادن جسد در قبر نیز در میان اقوام مختلف تفاوت‌هایی دارد. برخی از اقوام جسد را به حالت طاق‌باز، برخی دیگر به پهلو چپ یا راست، برخی دیگر به حالت چمباتمه در قبر قرار می‌دادند و حتی برخی از اقوام، جسد مرده‌گان‌شان را به همان حالتی که جنین در شکم مادر قرار دارد، دفن می‌کردند. در میان ملوانان و کشتی‌رانان نیز رسم بر این بود که مرده‌ها را به دریا می‌انداختند تا خوراک ماهیان شوند.

همین تفاوت‌ها، مرا برآن داشت تا بخش‌های مهم مراسم تدفین و ترحیم در میان ترکمن‌ها را به عنوان بخش قابل توجه‌ای از جمعیت اهل تسنن ایرانی مورد تحقیق و بازخوانی قرار دهم. در قبرستان‌های ترکمن، محلی به عنوان غسل‌خانه جهت آخرین شست‌وشوی مرده و غسل دادن آن وجود ندارد. مرده‌های ترکمن را در خانه غسل می‌دهند و می‌شویند.

وقتی عضوی از یک خانواده‌ی ترکمن فوت می‌کند، اعضای خانواده، او را کف یکی از اتاق‌ها رو به قبله می‌خوابانند، چانه و پاهای متوفی را بسته و به انتظار رسیدن اقوام می‌نشینند. در میان افرادی که قرار است برای کمک به خانواده‌ی متوفی از راه برسند، حتماً یک روحانی و نیز کسی که مسئول غسل و شست‌وشوی متوفی هست هم وجود دارد. با رسیدن آنان، شست‌وشو آغاز می‌شود. متوفی اگر مرد باشد، زن‌ها از صحنه غایب‌اند، حتی اگر همسر، دختر، خواهر یا مادر او باشند و اگر شخص فوت شده زن باشد، هیچ مردی حق حضور در محل غسل ندارد.

ترکمن‌ها برای شست‌وشوی مرده‌ی خود از ظرفی استفاده می‌کنند که به آن «یوقی» می‌گویند. این ظرف در قد و قواری یک تخت یک نفره است، کم و بیش با همان ارتفاع، با این تفاوت



که کف آن گود و قوس‌دار است و در یک گوشه‌ی آن، سوراخی برای خارج شدن آب اضافی وجود دارد که زیر آن سطل قرار می‌دهند و مرتب سطل‌های پر شده را خالی می‌کنند. این ظرف در گذشته از چوب ساخته می‌شد، ولی در سال‌های اخیر آن را از حلب یا آلومینیوم می‌سازند که هم بهداشتی‌تر است و هم کار با آن راحت‌تر حمل و نقل آن آسان‌تر.

پس از پایان شست‌وشو، غسل و به عبارت دیگر «مرده‌شوی» در تمام حفره‌های بدن مرده مثل دهان، بینی، گوش و جاهای دیگر پنبه می‌تپاند و کفن را بر او می‌پوشاند. سپس مرده‌ی کفن‌پوش را در جاجیمی می‌پوشانند و داخل تابوت قرار می‌دهند. در این مرحله، دیگر مرده مهیای خواندن نماز میت بر اوست. نماز میت را معمولاً در مسجد می‌خوانند. تنها بخش تشییع جنازه هم در همین مرحله صورت می‌گیرد، یعنی از خانه تا مسجد. از آنجایی که

عموماً در هر محله مسجدی هم هست، تشیع جنازه با سهولت انجام می‌پذیرد. باقی امور حمل و نقل تا قبرستان، به وسیله‌ی اتومبیل انجام می‌شود که آن هم به دلیل پیش‌گیری از تلف شدن وقت مشایعت‌کننده‌گان و پیش‌گیری از معضل ترافیک است.

در مسجد، روحانی به جماعت بر مرده نماز میت می‌خواند و آماده‌ی حرکت به سمت قبرستان می‌شوند. تا پیش از نماز میت، کسی به بازمانده‌گان تسلیت نمی‌گوید و از مرده با عناوینی چون «مرحوم» و «خدا بیامرزد» نام نمی‌برد، چون هنوز رسماً مرده به حساب نمی‌آید. تنها پس از خواندن نماز میت است که حاضران می‌توانند به خانواده و بازمانده‌گان متوفی تسلیت گفته و از او به عنوان «خدا بیامرزد» یاد کنند. در واقع، مرده پس از نماز میت رسماً به جمع مرده‌گان پیوسته است.

یک بار پس از خواندن نماز میت و بار دیگر پس از قرار دادن جنازه در قبر، روحانی حاضر از مردم یک پرسش واحد را سه بار می‌پرسد، پرسشی به این مضمون که: «میت چه‌گونه آدمی بود؟» و حاضرین معمولاً پاسخ می‌دهند: «آدم خوبی بود»، بعد از آن برای مرده، طلب آمرزش می‌کنند.

پس از پایان نماز، حاضرین آماده‌ی رفتن به قبرستان می‌شوند. ترکمن‌ها در استان گلستان چندین قبرستان ویژه‌ی خود دارند که عموماً در حاشیه‌ی شهرها و آبادی‌های ترکمن‌نشین قرار دارد و معمولاً به نام نزدیک‌ترین آبادی خوانده می‌شود.

مشایعت‌کننده‌گان وقتی به قبرستان می‌رسند تابوت را از روی ماشین حامل آن برداشته و در سکوت کامل آن را بر شانه‌های خود تا نزدیک قبر حمل می‌کنند و آن‌جا به زمین می‌گذارند. دو سه نفری در تدارک کندن قبر هستند. قبری با پهنا‌ی یک، طول دو و عمقی بیش از یک متر، دو ضلع پهنا و یک ضلع از درازای قبر به شکل عمودی پایین رفته و گود می‌شود، اما ضلع چهارم را با حالتی قوس‌دار می‌کنند و در کف همان ضلع، حفره‌ای عمیق‌تر با پهنا و عمق حدود چهل سانتی‌متر کنده می‌شود که محل قرار دادن جنازه است. حدود باقی‌مانده‌ی قبر کم‌تر گود می‌شود تا عوامل دفن برای قرار دادن مرده در محل تعیین شده، جای حرکت داشته باشند. در قسمت گودتر قبر، جایی که قرار است سر جنازه قرار گیرد، بالشی از خاک نرم درست می‌کنند. گورکن بسیار دقت می‌کند که خاک بالش کاملاً نرم باشد. کوچک‌ترین علف یا سنگ‌ریزه را با دقت از لابه‌لای آن خارج می‌کند. حتا به عنوان آزمایش، خود یک بار در قبر دراز می‌کشد و سر بر بالش خاکی می‌گذارد تا مطمئن شود همه چیز درست است. در همین فاصله، چند نفر مشغول تکه کردن «نی» با تبر در اندازه‌ی حدود یک متر هستند. وقتی قبر کاملاً آماده شد، مرده را که در جاجیمی پیچیده شده است، از تابوت درمی‌آورند و در سکوت کامل به عواملی که در قبر منتظرند، می‌سپارند. جنازه ابتدا روی قسمت کمتر گود شده‌ی قبر قرار می‌گیرد و عوامل مربوطه با زحمت تمام جاجیم را از زیر جنازه خارج کرده و با کمک هم در قسمت گودتر قبر به حالت طاق باز می‌خوابانند. سپس سه بند کفن را که

بالای سر، پایین پا، و کمر جنازه بسته شده باز می‌کنند. گورکن یک برگ کاغذ را که دعایی بر آن نوشته شده از روحانی حاضر در مراسم می‌گیرد و آن را لای کفن مرده جای می‌دهد. در این هنگام، روحانی از مردم می‌پرسد: «میت چه گونه آدمی بود؟» که حاضرین پاسخ می‌دهند: «آدم خوبی بود». این پرسش و پاسخ سه بار پیاپی انجام می‌شود. در سنت ترکمن‌ها، «تلقین» دیگر جایی ندارد و با همین پرسش و پاسخ، کار تمام می‌شود و پس از آن، نی‌های یک متری از قبل آماده شده را به صورت مورب در داخل قبر قرار می‌دهند، به طوری که تکیه‌گاه نی روی پله‌ی داخلی قبر و سر دیگر آن تقریباً نزدیک لبه‌ی دیواره‌ی قوس‌دار تکیه داده می‌شود. نی‌ها را در طول قبر، از این سر تا آن سر، کیپ هم می‌چینند. دست آخر، سرشاخه‌های نی را که معمولاً از برگ‌های خشکیده پوشیده است، تقریباً عمود بر نی‌های قبلی می‌چینند و برای پوشاندن درزهای احتمالی، روی نی‌ها را با کارتن و در مواردی هم با کاه می‌پوشانند و سپس جمعیت بیل به دست، با سرعت تمام خاک را در حفره‌ی باقی‌مانده می‌ریزند. هر کس طبق سنت هفت بیل خاک به داخل قبر می‌ریزد، بیل را به دیگری تحویل می‌دهد تا همه‌ی حاضرین در صواب ریختن خاک روی جنازه سهیم شوند.

پیش از پر شدن کامل قبر در بالا و پایین آن، دو تکه چوب حدوداً به قطر ۵ و عرض ۱۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۲ متر قرار می‌دهند و نام متوفی و تاریخ فوت بر روی آن نوشته می‌شود. این تنها نشانه‌ای است که از مرده باقی می‌ماند. بندهایی که پیش‌تر از کفن باز کرده‌اند، به این چوب‌ها گره می‌زنند. بعد از چهل‌م نیز سنگ قبری به حالت عمودی در قسمت بالای قبر قرار می‌دهند.

استفاده از نی و مورب قرار دادن آن سبب می‌شود بین ردیف نی‌ها و کف گود قبر که جنازه در آن قرار دارد، فضای باز نسبتاً بزرگی به وجود آید. با این فضای خالی، مقدار زیادی از خاک کنده شده اضافه می‌ماند، اما با این حال، تمامی خاک کنده شده روی قبر ریخته می‌شود، حتا مقدار خاکی که لابه‌لای علف‌ها گیر کرده یا در اثر رفت و آمد حاضران مراسم تدفین زیر قدم‌ها به هم فشرده شده باشد. همه‌ی خاک‌ها از گوشه و کنار جمع شده و بر روی قبر ریخته می‌شود و یک تپه‌ی بزرگ خاکی به ارتفاع حدود یک متر به وجود می‌آید. بیل به دست‌ها از چهار طرف قبر مشغول مرتب کردن این تپه‌ی بی‌قواره‌ی خاکی می‌شوند و دست آخر کسی که با تجربه‌تر از دیگران است، با دسته‌ی بیل آرام آرام روی خاک نرم تپه می‌کشد و آن را صاف می‌کند تا از تپه‌ی خاکی بی‌قواره، گنبدی خاکی و چشم‌نواز بسازد.

در میان ترکمن‌ها رسم نیست که برای قبر پول بدهند. در واقع، زمین قبر خریدنی و فروختنی نیست، بلکه هدیه‌ای است از سوی یک خیر برای همه. از وجوه استفاده از نی، از بین رفتن سریع آثار و نشانه‌هاست. بعد از حدود شش ماه، شاید پیدا کردن یک قبر مشخص چندان آسان نباشد. گویا ترکمن‌ها برخلاف شیعیان چندان در پی حفظ و یادآوری گذشته‌ها نیستند. ظاهراً خیلی هم اهل عزاداری و گریه و زاری نمی‌باشند. در تمام مراسم تدفین، زن‌ها به

هیچ وجه حضور ندارند. نه تنها در زمان تدفین، بلکه تا ۴۰ روز بعد از فوت هم اجازه‌ی ورود به قبرستان را ندارند. حتی در مواردی هم که مرده زن باشد، باز هم زن‌ها از حضور در قبرستان و مراسم تدفین محرومند. مرده را نیز کسانی چون همسر، پدر یا برادر که محرم هستند در قبر می‌گذارند.

مردها هم اگرچه متأثر و غم‌زده هستند، اما ندیدم که اشک بریزند، خاک بر سر و روی بمالند، روی قبر دراز بکشند و غش کنند و ... . تنها یک بار وقتی از قبرستان به خانه‌ی متوفی برمی‌گردند، مردها دور هم جمع شده و با صدای بلند بر مرده و برای مرده می‌گیرند. تنها همین یک بار. گویا ضرب‌المثل «مرگ یک بار، شیون هم یک بار» نزد مردهای ترکمن کاملاً کاربرد دارد. اما زن‌ها به دلیل حساس‌تر بودن و طبع نازک خود، شرایطشان فرق می‌کند. آنان نه تنها زمان حرکت جنازه از مسجد، دور آن جمع می‌شوند و گریه سر می‌دهند، در مراسم یادبود مرده که در خانه‌ها برگزار می‌شود هم از گریه دست نمی‌کشند. به ویژه به وقت نقل خاطراتی از مرده برای قوم و خویش و در و همسایه که برای تسلیت‌گویی آمده‌اند.

یکی از دلایل تعمد ترکمن‌ها در بی نام و نشان بودن قبرها به درک و برداشت‌شان از اسلام و سنت‌های دینی اهل سنت برمی‌گردد و چه بسا قبرستان بقیع یکی از الگوهای آنان باشد. به همین دلیل است که قبرها را پس از تدفین به حال طبیعی خود رها می‌کنند تا به تدریج دیگر نشانی از آن باقی نماند و بر همین قیاس، هر پنج‌شنبه بر سر قبر حاضر نمی‌شوند تا به یاد مرده، گریه و عزاداری کنند. بنابراین هیچ قبری هم مرمت و آجرچینی نمی‌شود. تنها سنگ قبری به شکل عمودی بالای قبر قرار می‌گیرد که اسم و مشخصات، نام پدر و سن متوفی بر آن ذکر می‌شود و آن هم در گذر زمان و با نشست تدریجی قبر، به زودی از بین می‌رود. استفاده از نی، سبب می‌شود در فاصله‌ی کوتاهی نی‌ها بپوسند و حجم بزرگی از خاک نشست کرده و فضای خالی بین نی‌ها و جنازه را پر کنند. بخشی از خاک هم پیش‌تر، به دلیل نرمی آن توسط باد جابه‌جا شده است. ریزش باران و نشست یک‌باره و بعداً تدریجی خاک، سبب می‌شود نه تنها دیگر نشانی از تپه‌ی خاک بر هیچ گوری باقی نماند، بلکه بر سر هر گور حفره‌های کوچکی به وجود می‌آید.

پس از پایان یافتن کار تدفین، حاضران در مراسم حدود ۱۰۰ متری از قبر فاصله می‌گیرند، دور هم حلقه می‌زنند و روی زانو می‌نشینند تا روحانی مجلس، با خواندن آیاتی از قرآن، ختم جلسه را اعلام کند. روحانی تنها دو، سه آیه - ترجیحاً از سوره‌ی یاسین - می‌خواند و حاضران که دست به روی آسمان - به حالت دعا - دارند، دست بر چهره می‌کشند و جلسه‌ی تدفین تمام می‌شود. در این فاصله، بازمانده‌گان متوفی به همه‌ی حاضران یک بسته‌ی کوچک بیسکویت و یک اسکناس ۵۰ یا ۱۰۰ تومانی به عنوان صدقه می‌دهند. بیسکویت شاید برای تجدید قوای پس از خستگی حضور در جلسه‌ی تدفین باشد و آن اسکناس هم شاید به نوعی کرایه‌ی پا، یا مزدی برای به دست گرفتن بیل و ریختن خاک بر مرده و شاید نوعی ادای دین

مالی مرده به برخی از بازمانده‌گان و اقوام باشد، اما به هرحال از آن به عنوان «صدقه» یاد می‌کنند. چنان‌که شام و ناهار مراسم ترحیم نیز صدقه خوانده می‌شود.

پس از پایان کامل مراسم، جمعیت در معیت بازمانده‌گان متوفی به سوی خانه‌ی فرد فوت شده حرکت می‌کنند. تنها پس از حضور در خانه است که مردها برای اولین و آخرین بار دسته‌جمعی و با صدای بلند بر مرده می‌گریند. سپس وارد اتاق‌ها شده، پس از خوردن کاسه‌ای چای با خرما، کسانی که از راه دور آمده‌اند یا کار واجبی دارند، با کسب اجازه از همسر و فرزندان متوفی، خانه را ترک می‌کنند، اما اقوام درجه‌ی یک می‌مانند. دوستان، آشنایان، هم‌کاران، اقوام و هم‌شهری‌ها در مدت پنج روز برای دل‌جویی و گفتن تسلیت، به این خانه می‌آیند و می‌روند. از این نظر، ترکمن‌ها هم‌بستگی خوبی دارند.

ترکمن‌ها معتقدند مسجد محلی برای عبادت و به ویژه خواندن نماز است و از آن برای برگزاری مراسم مجالس ترحیم استفاده نمی‌کنند. بنابراین حتا در شهرهای ترکمن‌نشین مثل بندر ترکمن، آق‌قلا و گنبد هم با وجود در اختیار داشتن مساجد ویژه‌ی خود، باز هم ترجیح می‌دهند مراسم ترحیم را در خانه‌ها یا در چادر برگزار کنند تا به نوعی یادآور و بیان‌گر سنت چادرنشینی نیاکان خود باشند.

اگر امکاناتی از قبیل فضای باز بزرگ در نزدیکی خانه‌ی متوفی وجود داشته باشد و شرایط آب و هوایی هم مناسب باشد، چادر بزرگی که برای همین کار تهیه شده، برپا می‌دارند. در طول پنج روز که این چادر برپاست، کسان بسیاری از اقوام و آشنایان از شهرهای دور و نزدیک برای گفتن تسلیت به خانه‌ی فرد متوفی می‌آیند. از مردان، در چادر و از زنان در خانه پذیرایی می‌شود. پذیرایی، بسیار مختصر است. چای و خرما که قند هم گاهی همراه آن است. متوفی اگر فرد مشخصی باشد یا یکی از بزرگان و ریش‌سفیدان قوم یا از روحانیون سرشناس، گاه تا پنج چادر هم برپا می‌دارند که جواب‌گوی کثرت جمعیت باشد.

چادر بر روی لوله‌های آهنی محکمی استوار است که تکه‌تکه کنار هم قرار می‌گیرند و بعضاً قسمت‌هایی از آن در داخل لوله‌های گشادتر قرار می‌گیرد و زوایای مختلف آن با طناب به هم بسته می‌شود. در سه ضلع چادر با فاصله‌ی کمی از زمین، تخته‌های محکم و بلند و پهنی با طناب به میله‌های عمودی چادر بسته می‌شود که هم می‌تواند نقطه‌ی اتکایی برای بستن دامنه‌ی چادر به آن در شرایط تغییرات ناگهانی هوا باشد و هم در اصل تکیه‌گاه پشتی‌های ترکمنی‌ست که در سه ضلع دیواره‌ی چادر کنار هم می‌چینند، برای راحتی مهمانان از راه رسیده.

عرض چادر حدود ۳ تا ۴ متر، طول آن ۱۰ تا ۱۲ متر و ارتفاع آن حدود ۲ تا ۳ متر است، به طوری که هر آدم قد بلندی هم به راحتی می‌تواند بدون خم شدن، در آن راه برود. تمامی کف چادر را با تخته‌های دو لایه‌ای می‌پوشانند. این تخته‌های دو لایه بیشتر در کار حمل و نقل کالاهایی هم‌چون جعبه‌ی نوشابه و... به وسیله‌ی لیفتراک مورد استفاده قرار می‌گیرد



که اصطلاحاً به آن «پالت» می‌گویند. روی تخته‌ها را با فرش‌های ترکمنی می‌پوشانند. به کار بردن این تخته‌ها بیشتر به آن دلیل است که اگر در میانه‌ی کار باران در گرفت، فرش‌ها از خیس شدن در امان بمانند. اما چادر، برزنتی و کلفت و غیرقابل نفوذ است و اگر باران تندی هم ببارد، مشکلی پیش نمی‌آید. با این حال، روی چادر پلاستیک ضخیم و بزرگی پهن می‌کنند تا خیال‌شان از احتمالات هم راحت باشد. در شرایطی که هوا معتدل است، دامنه‌های چهار طرف چادر را بالا می‌زنند. در حالی که تمامی سه ضلع چادر را دورتادور پشتی چیده‌اند، راه ورود و خروج تنها از یکی از اضلاع آن ممکن است. همان جایی که بساط جای را هم چیده‌اند. جای را طبق سنت‌های ترکمنی در کاسه‌های کوچک چینی، جلوی مهمانان می‌گذارند، اما به جای منقل زغالی و قوری‌های چینی جای که بر خاکستر داغ منقل جا خوش کرده‌اند، این روزها به جهت سهولت کار از فلاسک استفاده می‌کنند که به پذیرایی، حالتی نیمه سنتی - نیمه مدرن می‌دهد، در حالی که در فضای بزرگی که امکان برپایی چادر هست، حتماً جای کوچکی هم برای بر پا کردن بساط منقل و قوری جای هم پیدا می‌شود. کسانی که برای تسلیت گفتن و دل‌جویی از بازمانده‌گان به مراسم ترحیم می‌آیند، با کندن کفش و گفتن سلام وارد چادر می‌شوند. یکی دو نفر از کسانی که به آنان «قاری» گفته می‌شود و معمولاً از کودکی برای همین کار تربیت شده‌اند و کل قرآن یا بخش‌های عمده‌ی آن را از بر دارند، در صدر مجلس می‌نشینند و با ورود هر مهمان دو تا سه آیه‌ی کوتاه از قرآن می‌خوانند و همین مورد به هنگام خروج هر مهمان تکرار می‌شود، یعنی باز دو تا سه آیه‌ی کوتاه دیگر خوانده می‌شود. در برخی موارد که رفت و آمد و ورود و خروج مهمانان به چادر در طول روز ادامه می‌یابد، قاریان اغلب در حال خواندن قرآن هستند و به همین دلیل، برای جلوگیری از خستگی قاریان، این وظیفه به چند نفر محول می‌شود. اگر یکی از وارد شده‌گان نیز خود قاری باشد، پس از ورود به چادر و به محض نشستن، شروع به خواندن قرآن می‌کند.

به اعتقاد ترکمن‌ها، وظیفه‌ی خواندن قرآن از این رو بر عهده‌ی اشخاص خاصی قرار می‌گیرد که آنان آداب و مقدمات ویژه‌ای را بر خواندن قرآن مترتب می‌دانند. به اعتقاد آنان، قاری قرآن، حتماً باید پاک باشد، وضو داشته باشد، خواندن و درست خواندن قرآن را خوب بداند و برای این کار آموزش کافی دیده باشد و چون احتمال می‌دهند برخی از مهمانان از همه‌ی شرایط یاد شده برخوردار نباشند، از دادن جزوه‌های کوچک قرآن به دست این و آن خودداری می‌کنند تا شریک گناهی احتمالی نشوند، بنابراین برنامه‌ی خواندن قرآن به وسیله‌ی افراد آموزش دیده اجرا می‌شود.

روضة‌خوانی در مجالس ترحیم ترکمن‌ها مرسوم نیست. از مداحی و خواندن انواع غزل و مثنوی از این یا آن شاعر مشهور یا گم‌نام و مربوط یا نامربوط به جلسه‌ی ترحیم خبری نیست. از چاپ آگهی‌های تسلیت با جملات پرسوز و گداز بر کاغذهای رنگ و وارنگ با



نقش‌های عجیب و متفاوت و قطار کردن اسامی تسلیت‌گوینده‌گان، همراه با عناوینی چون دکتر و مهندس و... هم خبری نیست. به عبارت بهتر، در این مجالس از رنگ و ریا خبری نیست. مجلس در کمال سادگی و اختصار و البته صفا و یک‌دلی، تنها برای حضور دوستان و اقوام و آشنایان برای عرض تسلیت و دل‌جویی از بازمانده‌گان و تنها نگذاشتن آنان در این شرایط سخت برپا می‌شود. البته گه‌گاه پارچه نوشته‌هایی به دیوارهای اطراف خانه‌ی متوفی نصب می‌شود یا آگهی‌های تسلیت چاپ شده بر کاغذ روی در خانه می‌چسبانند، اما همه‌ی این موارد از طرف دوستان و آشنایان و همکاران غیرترکمن متوفی انجام می‌شود و خود ترکمن‌ها، از انجام چنین اموری به شدت پرهیز دارند.

ترکمن‌ها، اصراری برای پوشیدن لباس سیاه در مجالس ترحیم ندارند و هر کس با همان لباس معمول خود می‌آید، اما سعی می‌شود در پنج روزه‌ی اول عزاداری، با همان لباسی حاضر شوند که به هنگام شنیدن خبر مرگ، بر تن‌شان بود. زن‌ها، اغلب لباس سنتی خود را می‌پوشند، همان لباسی که در مجامع دیگر هم بر تن‌شان هست. مردها هم با همان لباس معمولی که در اداره یا محل کسب و کار بر تن دارند، ظاهر می‌شوند. گویا ترکمن‌ها نه تنها چندان میانه‌ای با رنگ مشکی ندارند، بلکه طبق روایات و سنت‌های اسلامی، آن را مکروه هم می‌دانند. در سنت‌های آنان، رنگ سیاه لباس، نشانه‌ی عزاداری نیست، چنان‌که برخی از هندی‌ها، به هنگام عزاداری لباس سفید می‌پوشند، اما با این حال، غیرترکمن‌هایی که به مناسبت‌هایی به مجالس ترحیم آنان می‌روند، سعی دارند لباس مشکی بپوشند و در واقع با پوشیدن لباس مشکی یا چاپ آگهی تسلیت و نصب پارچه نوشته و... در مراسم قومی دیگر با سنت‌ها و آداب و رسومی دیگر، همان‌گونه رفتار می‌کنند که در مراسم خاص خود انجام می‌دهند.

مجالس ترحیم ترکمن‌ها به جز پنج روز اول، دقیقاً یک ماه پس از تاریخ فوت در خانه‌ی متوفی برگزار می‌شود که هر ماهه تا یک‌سال بر اساس سال‌شمار قمری ادامه دارد. پذیرایی بسیار مختصری شامل چای و خرما و شام یا نهار با یک نوع غذا صورت می‌گیرد. غیر از این، در روز چهارم و صدم فوت هم مراسم ترحیمی در خانه‌ی متوفی برگزار می‌شود که همه‌ی این مجالس، بدون دعوت قبلی انجام می‌شود. هر کس که علاقه‌مند به حضور در چنین مجالسی باشد، با کمی پرس‌وجو از آشنایان، از تاریخ دقیق آن مطلع شده و به موقع، خود را می‌رساند. در تمام یک‌سال اول، هر پنج‌شنبه هم مراسم کوچکی برای یادآوری در خانه‌ی متوفی برگزار می‌شود.

حضور بر سر مزار به ندرت انجام می‌شود. زن‌ها تا ۴۰ روز از رفتن به قبرستان منع شده‌اند، اما پس از روز چهارم، زن‌ها می‌توانند بر سر مزار حاضر شده و فاتحه‌ای بخوانند. در سال‌های اخیر، عمدتاً چنین رسم شده است که در اعیاد فطر و قربان، خانواده و اقوام بر سر مزار می‌روند و یادی از عزیز از دست رفته‌ی خود می‌کنند. در تمام پنج روز اول بعد از فوت که چادر مراسم ترحیم برپاست، به همه‌ی مهمانانی که در دقایق نزدیک به خوردن نهار

یا شام در مجلس حضور می‌یابند، غذا داده می‌شود، اما رسم نیست که از همان غذا برای همسایه‌گان هم ببرند، غذا مختص کسانی است که در مجلس حاضرند و این مورد شامل مراسم ماهانه، چهلم، صدم و سال هم می‌شود. غذا، همان خوراک معروف و اختصاصی ترکمن‌هاست که به آن «چک‌درمه» می‌گویند که غذایی است شامل برنج و گوشت و روغن فراوان. اما در سال‌های اخیر، برای صرفه‌جویی، به جای گوشت قرمز از مرغ هم استفاده می‌شود. مخارج قند و چای و خرما، شام و نهار و بعضاً صبحانه و مخارج جانبی دیگر به عهده‌ی خانواده‌ی متوفی است، اما به طور معمول اقوام نزدیک و حتا هم‌سایه‌های ترکمن در هزینه‌ی خرید این اقلام بسیار کمک می‌کنند، به ویژه اگر خانواده‌ی متوفی تنگ‌دست باشد و از پس این مخارج برنیاید.

طبق سنت‌های ترکمن، یک ساعت قبل از ظهر، نهار داده می‌شود و درست اول اذان، نماز ظهر به شکل جماعت درون چادر برگزار می‌شود. گاهی اوقات پیش‌نماز، جوان کم‌سن و سالی از قاریان قرآن است و در همان حال، در صفوف نماز کسانی دیده می‌شوند که بیش از ۶۰ سال سن دارند. در این مورد ندیدم که کسی دچار کبر و غرور شود و از خواندن نماز جماعت به امامت یک نوجوان، احساس کسر شأن کند.

عصرها، بلافاصله پس از غروب آفتاب، صفی برای خواندن نماز مغرب تشکیل می‌شود. نماز به نیمه می‌رسد که از بلندگوی مسجد شیعیان صدای اذان بلند می‌شود. پس از نماز مغرب، به فاصله‌ی کوتاهی شام داده می‌شود و ساعتی بعد، دوباره تشکیل صف و خواندن نماز پسین. پس از نماز آخر، رفت و آمدها محدود می‌شود، اما چراغ چادر تا صبح روشن است و چند نفری در آن حضور دارند تا هم چراغ چادر روشن بماند و هم مراقب فرش‌ها و پشته‌ها باشند. این مراسم از یک روز پس از تدفین تا پنج روز ادامه دارد. اگرچه در گذشته، هفت روزه بود، اما به توصیه‌ی روحانیون بلند مرتبه‌ی ترکمن برای جلوگیری از کم‌رونی شدن آن و خستگی حاضران در جلسه، به پنج روز کاهش یافت، اما با این حال، در مواردی خاص اگر یکی از اقوام درجه‌ی یک متوفی که در فاصله‌ای دورتر - مثلاً خارج از کشور - زنده‌گی می‌کند و در یکی، دو روز پایانی مجالس پنج روزه‌ی ترحیم، از راه برسد، دو روز دیگر هم این مجالس به خاطر او ادامه می‌یابد و ظهر روز هفتم، پس از دادن نهار که به آن «صدق» می‌گویند، مجلس ترحیم به پایان می‌رسد و حاضرین به کمک هم چادر را جمع می‌کنند، اما رفت و آمدهای جسته و گریخته به خانه‌ی متوفی تا مدت‌ها ادامه دارد.